

## طراحی اهداف مبتنی بر توسعه آینده پژوهی در برنامه درسی آموزش عالی ایران

### مهدی کشاورزی

۱ استادیار، گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایرانشهر، ایرانشهر، ایران.

Keshavarzimehdi82@gmail.com

### چکیده

آینده و آینده پژوهی بسیار مهم و ضروری است، چون نمی توانیم به وقوع پیوستن آن را به تعویق بیندازیم. به اعتقاد صاحب نظران، آموزش عالی یکی از نهادهای تاثیرگذار بر شکل گیری آینده پژوهی از طریق برنامه های درسی است. با ایجاد تغییر در اجزای برنامه درسی می توان آینده پژوهی را ارتقا بخشید. این تحقیق بدنبال طراحی اهداف توسعه دهنده آینده پژوهی در آموزش عالی می باشد که به شیوه کیفی و با استفاده از روش زمینه ای انجام شد. در این تحقیق با ۱۴ نفر از صاحب نظران حوزه برنامه درسی و آینده پژوهی مصاحبه به عمل آمد. متن کامل گفته های پاسخگویان از متن ضبط شده اجرا گردید و در فرایند کدگذاری نظرات ارائه شده به مفاهیم مجزا تفکیک شدند و سپس مفاهیم مشترک در دسته های جداگانه قرار گرفت و مولفه اهداف به عنوان مقوله اصلی تحقیق شناسایی شد. در مدل نهایی موانع، راهبردها و پیامدها برای تدوین اهداف برنامه درسی توسعه دهنده آینده پژوهی به صورت مجزا و در قالب مدل های تحلیلی ارائه گردید.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، آینده پژوهی، اهداف، آموزش عالی

**مقدمه:**

آموزش عالی تاکنون در به چالش کشیدن موضوعات ومسائل آینده در برنامه های آموزشی و درسی پاسخی مناسب نداده است. این مساله تا حدی از آن جا ناشی می شود که اکثر اساتید، آگاهی و شناخت چندانی از روش ها و جهت گیری های فلسفی مطالعات آینده پژوهی ندارند. پیامد چنین خلایی در بنیان معرفتی آموزش این خواهد بود که اکثر مربیان فاقد معیارهای اساسی ای هستند که برای تحلیل استنباط خود از رابطه "آموزش و آینده" و برای تبدیل مسایل آینده به تجربه های علمی یادگیرنده، ضرورتا به آنها نیاز دارند. آینده پژوهان برای بهبود این وضعیت بایستی همچنان بر مسئولیت دراز مدت خود، یعنی اطلاع رسانی پیرامون اسلوب آینده پژوهی در زمینه های آموزشی، پافشاری نمایند (کشاورزی، ۱۳۹۵). تغییرات سریع اجتماعی و رشد سریع فناوری های جدید بشر را با چالش هایی در آینده روبرو خواهد کرد. آمادگی افراد با این چالش ها یکی از اهداف بنیادی تعلیم و تربیت و آموزش عالی است. در این نظام های آموزشی نقش برنامه ریزان درسی تعیین کننده است. طراحان برنامه درسی با کمک آینده پژوهان باید همیشه به مطالعه و جستجوی آینده بپردازند. یکی از رویکردها در مطالعه آینده، آینده پژوهی است. آینده پژوهی باید وقایع آینده ممکن را به واسطه مطالعه آینده، پیش بینی کرده و نیازهای آینده را در خلق یک برنامه درسی آینده محور تشخیص دهد (معروفی و کرمی، ۲۰۱۵). در دهه های اخیر با افزایش نرخ بیکاری دانش آموختگان آموزش عالی، انتقادات به عملکرد نظام آموزشی رسمی فزونی یافته است. برای مقابله با این نارسایی طراحان برنامه درسی باید تدابیری را اتخاذ نمایند تا از بیکاری دانش آموختگان ممانعت بعمل آورند (کشاورزی ورهگذر، ۱۳۸۹). جهان پیچیده امروز، آموزش و پرورشی را طلب می کند که بتواند متناسب و منعطف با این پیچیدگیها، پاسخگوی نیازهای جامعه باشد. برای پاسخگویی به این مهم نیازمند ابزاری هستیم که بتواند به راحتی در میان این پیچیدگیها حرکت کرده و مسیر را تسهیل نماید، آموزش بهترین ابزار برای این کار است، از آنجایی که آموزش از طریق برنامه درسی معنا و مفهوم می یابد، می باید با بررسی و بازنگری مداوم، تلاش شود که برنامه درسی با غنای کامل و علمی خود بتواند به تمام نیازهای کنونی و دگرگونی های پر شتاب آینده پاسخ دهد (زمانی مقدم، ۱۳۸۸) برای یافتن و پر کردن شکاف میان آنچه در دانشگاهها تدریس می شود و آن چه مورد نیاز فارغ التحصیلان است، طراحان برنامه درسی باید از منابع دولتی جاری، روندهای جاری و آینده مشاغل و نیز اهداف و وسایل موجود در جامعه آگاه باشند (محمدی و همکاران، ۱۳۸۹). اگر چه هنوز در مبنای معرفتی آموزش آینده پژوهی کاستی هایی وجود دارد، اما انصافا این انتقاد هم وارد است که نظام های آموزشی به اندازه کافی به رسالت خود، یعنی تجهیز دانش آموزان به دانش و مهارت های لازم برای مشارکت موثر در جامعه امروز و آینده نپرداخته اند (اسلاتر و همکاران، ۱۹۹۶: ۱۷۱). بنابراین یکی از وظایف دانشگاهها، توانمندی دانشجویان در عرصه های مختلف از جمله شناخت آینده یا آینده پژوهی است (کشاورزی و همکاران، ۱۳۹۷). اگر آینده پژوهی بیشتری انجام ندهیم، با مشکلات روزافزونی در تصمیم گیری ها مواجه خواهیم شد. تصمیم های خوب بستگی کامل به دورنگری دارد. زندگی امروزی با گذشته بسیار متفاوت است؛ در این دنیای پرتغییر، دیگر سنت های قدیمی آینده ما را شکل نمی دهند؛ بلکه ما خود باید آینده ی خودمان را خلق کنیم تا بتوانیم خود، سازمان و جامعه را در برابر تغییرات جهانی آماده سازیم. شرایط جدید جهانی فرصت های بی شماری برای جوامعی که برای دورنگری اهمیت قائلند ایجاد کرده است، اما برای جوامعی که از آینده نگری بهره ای نبرده اند این شرایط جدید حاوی تغییرات عمیق و درهم شکسته شدن فاجعه وار ساختار آنها می باشد. آینده و آینده پژوهی بسیار مهم و ضروری است، چون نمی توانیم به وقوع پیوستن آن را به تعویق بیندازیم (فاتح راد و همکاران، ۱۳۹۲). هدف این پژوهش طراحی اهداف مبتنی بر توسعه آینده پژوهی در برنامه درسی آموزش عالی ایران می باشد.

**اهداف و سوالات تحقیق**

هدف کلی از انجام این تحقیق ارائه مدلی برای تدوین اهداف برای برنامه درسی آموزش عالی با تاکید بر شناسایی موانع، استراتژیها و راهبردهای موثر بر توسعه آینده پژوهی در دانشجویان می باشد. با توجه به این هدف، سوالات تحقیق به شرح زیر بوده است:

چه موانعی در تدوین اهداف برنامه درسی آموزش عالی برای ارتقای آینده پژوهی وجود دارد؟

چه راهبردهایی در تدوین اهداف برنامه درسی آموزش عالی موجب توسعه آینده پژوهی می شوند؟ پیامدهای حاصل از طراحی اهداف برنامه درسی آموزش عالی مبتنی بر توسعه آینده پژوهی چه خواهد بود؟ آیا می توان مدلی را برای تدوین اهداف مبتنی بر توسعه آینده پژوهی در آموزش عالی طراحی نمود؟

### روش پژوهش

با توجه به اینکه در این تحقیق برای نخستین بار تلاش می شد تا برنامه درسی مبتنی بر آینده پژوهی طراحی شود امکان استفاده از روش های متعارف تحقیق فراهم نبود. تنها داده مورد استفاده در این تحقیق نظرات افراد بود که در خلال جلسات مصاحبه جمع آوری شدند. علاوه بر منحصر بودن اطلاعات به مصاحبه ها، این داده ها به شدت پراکنده و حاوی مفاهیم و مقولات بسیار زیادی بودند. با توجه به این موضوعات برای تجزیه و تحلیل این داده ها و تبدیل آنها به اطلاعات قابل استفاده در مدل باید از روشی استفاده می شد که در عین جامع بودن توانایی مانور و انعطاف بالایی نیز داشته باشد. به همین دلیل از روش زمینه ای<sup>۱</sup> یا بنیانی استفاده شد. روش کیفی گراند تئوری در این پژوهش به این دلیل انتخاب شد که من می خواستم به بررسی پدیده آینده پژوهی برنامه درسی از دیدگاه اعضای هیات علمی دانشگاه بپردازم. از آنجا که گراند تئوری "کشف شده، توسعه یافته است و موقتا به بازبینی و جمع آوری نظام مند داده ها و تجزیه و تحلیل داده های مربوط به پدیده، می پردازد" (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰: ۲۳) این روش مناسب ترین شد.

نظریه برخاسته از داده ها یک روش پژوهش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه های گوناگون امکان می دهد تا به جای اتکا به نظریه های موجود و از پیش تدوین شده خود به تدوین نظریه و گزاره اقدام کنند. این نظریه ها و گزاره ها به صورت نظام مند و بر اساس داده های واقعی تدوین می شود. در واقع نظریه برخاسته از داده ها روشی است برای کسب شناخت پیرامون موضوع مورد مطالعه و موضوع یا موضوعاتی که پیش از این در مورد آنها پژوهش جامع و عمده ای انجام نشده است و دانش کنونی در آن زمینه محدود است (رضوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۵۹).

### محیط پژوهش

محیط پژوهش شامل اساتید رشته برنامه ریزی درسی و آینده پژوهی که در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی در سال ۱۳۹۵ به تدریس مشغول بودند. در این پژوهش از نظرات ۱۴ نفر از متخصصان برنامه ریزی درسی و آینده پژوهی استفاده شد. شیوه مصاحبه ها به گونه ای بود که پس از کسب اطمینان از اشباع نظری در بخش مطالب به دست آمده از مصاحبه های انجام شده و تکراری شدن مطالب ذکر شده، فرآیند مصاحبه ها متوقف شد. در این تحقیق اشباع نظری پس از ۱۴ مصاحبه حاصل شده است. در انتخاب افراد تلاش شد تا افرادی انتخاب شوند که با مفهوم آینده پژوهی آشنا باشند.

### روش گردآوری اطلاعات و شرح آن

روش اصلی گردآوری اطلاعات در این تحقیق مصاحبه نیمه ساختار یافته است. با توصیه استاد راهنما ۴ مصاحبه آزمایشی صورت پذیرفت و سپس مصاحبه اصلی شروع شد. پس از انجام هماهنگی های مقدماتی با افراد و تنظیم وقت جلسات در دفتر محقق و یا در محل کار پاسخگو برگزار شده است. پیش از شروع جلسه به مدت ۱۰ دقیقه توضیحات کاملی درباره هدف از انجام تحقیق و شیوه نتیجه گیری از آن بر مصاحبه شونده ارائه شده و سپس جلسه شروع شده است. برای داشتن اطلاعات کامل، ضمن کسب اجازه از مصاحبه شونده، تمام جلسات ضبط شده و بر پایه این مدارک متن مصاحبه پیاده شده است. شیوه اداره جلسه به این گونه بوده است که ابتدا با طرح ۲ الی ۳ سوال کلی محقق به موضوع جلسه وارد شده و با استفاده از پاسخ های داده شده توسط مصاحبه شونده جلسه اداره و سوالات بعدی پرسیده شده است. در طول جلسات تلاش بر این بوده است که بدون ایجاد حساسیت در مصاحبه شونده از انحراف از موضوع جلسه جلوگیری شده و صرفا در چارچوب از پیش تعیین شده حرکت شود. مبنای تشخیص

پایایی مصاحبه سوالات چک لیست محقق بوده است. پس از پرسیدن تمامی پرسش های از پیش تعیین شده و هم چنین جمع بندی از مباحث پیش بینی نشده، مصاحبه را به اتمام رسیده است. در این تحقیق داده های حاصل از مصاحبه های نیم ساختار یافته و اطلاعات موجود در منابع نظری به دست آمده است. اطلاعات فراهم آمده از مصاحبه ها کد گذاری شده و در ساخت مقوله های اصلی تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. در پژوهش حاضر استفاده از مصاحبه های نیم ساختار یافته به طرح سوالی انجامید که ابتدا درباره آنها آگاهی وجود نداشت. بعنوان مثال اساتید مورد مصاحبه مواردی از تجربه ها و خاطرات خود را مطرح کردند که منجر به کشف مفاهیم و مقولات جدید درباره موضوع تحقیق گشت. این موضوعات و مقولات به عنوان منبع مهمی از اطلاعات در طول فرآیند تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. در این پژوهش مصاحبه ها به صورت فردی برگزار شده و مدت هر مصاحبه به طور متوسط حدود ۶۰ دقیقه (بین ۵۰ تا ۸۰ دقیقه) بوده است. پس از اتمام مصاحبه ها و پیاده نمودن آنها تلاش شد تا مفاهیم به دست آمده مرتب و دسته بندی شوند. هدف از این مرحله این بود تا در مراحل سه گانه کدگذاری با غوطه ور شدن در داده ها، مفاهیم و مقوله ها مشخص شود که تحت چه شرایطی و در چه زمینه ای یک پدیده اتفاق می افتد.

### روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

داده های جمع آوری شده در طول فرآیند مصاحبه به وسیله فرآیند کد گذاری باز، محوری و انتخابی به دست آمده و تحلیل شده و با استفاده از نرم افزار حرفه ای MAXQDA 12 داده های کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### کد گذاری باز<sup>۲</sup>:

کدگذاری باز، فرآیندی تحلیلی است که بر اساس آن مفاهیم شناسایی و بر اساس ویژگی ها و ابعادشان، بسط داده می شوند. روند تحلیل اصلی که این فعالیت ها بر اساس آن انجام می شود، عبارت است از: طرح پرسش درباره داده ها، مقایسه وقایع، رویدادها و دیگر پدیده ها بر اساس تشابهات و تفاوت های آن. به رویدادها و حوادث مشابه، عنوانی مشترک داده می شود و در یک مقوله قرار می گیرد (اشتراس و کوربین<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰: ۷۴). در این پژوهش واحد تحلیل پاراگراف بوده است. این بدان معناست که متن مصاحبه ها ابتدا پیاده شده و پس از حذف گفته های نامربوط با موضوع تحقیق، اطلاعات در قالب دهها پاراگراف دسته بندی شدند. سپس این پاراگراف ها با توجه به مطالب درج شده در آن دسته بندی شده و پاراگراف هایی که موضوع مشابه داشتند در کنار یکدیگر قرار گرفتند. به عبارت دیگر تمامی گفته های پیاده شده از جلسات مصاحبه تک تک مورد بررسی قرار گرفته و مفاهیم از دل سخنان بیرون کشیده شده اند. در جریان کدگذاری از دو تکنیک عمده مقایسه کردن و پرسیدن استفاده شد و در آن پرسش های مقایسه ای سوال شد. در این مرحله پرسش های پایه ای مانند چه زمانی؟ چرا؟ کجا؟ چگونه؟ چه اندازه؟ و غیره داده ها را تجزیه کرده اند. در این مرحله مفاهیم دارای ارزش علمی از متن گفته های افراد بیرون کشیده شده و برای هر کدام از آنها یک نام اختصاص داده شده است. برای نام گذاری مقوله ها سه روش کلی وجود دارد: (۱) - سازه های شعوری خود تحلیل گر، (۲) - اصطلاحات فنی که از پیشینه های نظری و تخصصی بیرون می آید و (۳) - زبانی که به وسیله آگاهی دهندگان به کار می رود (رضوی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶۴). در پژوهش حاضر بیشتر ترکیبی از کدهای محقق ساخته و هم چنین مفاهیم ذکر شده توسط مصاحبه شونده ها استفاده به عمل آمد. در این مرحله از کدگذاری فرآیند ساخت مفاهیم بسیار وقت گیر و پرزحمت بود و منجر به تعداد زیادی از مفاهیم شد.

### کدگذاری محوری<sup>۳</sup>:

کدگذاری محوری، فرآیند مرتبط نمودن مقوله های فرعی به مقوله های اصلی تر را شامل می شود. این عمل، شامل فرآیند پیچیده تفکر استقرائی و قیاسی است که طی چند مرحله انجام می شود. این فرآیند مانند کدگذاری باز از طریق مقایسه و طرح سوال انجام می گیرد. البته در کدگذاری محوری، استفاده از این روش ها متمرکز تر است و تلاش می شود تا مقولات بر اساس الگوی پارادایمی

2 - Open coding

3 - Strauss & Corbin

4 - Axial coding

ایجاد و کشف شوند (ایمان، ۱۳۹۱: ۸۱). در این مرحله، میان یک مقوله و مقوله های فرعی پیوند برقرار گردید. این کار با به کارگیری یک مدل پارادایمی شامل "موانع"<sup>۵</sup>، "پدیده"<sup>۶</sup>، "زمینه"<sup>۷</sup>، "راهبردها"<sup>۸</sup> و "پیامدها"<sup>۹</sup> انجام می شود. صورت بندی این روابط تحت عنوان مدل پارادایمی از سوی اشتراوس و کوربین به روشن شدن روابط میان پدیده ها، مفاهیم و مقوله ها کمک می کند. در این مرحله از کدگذاری پرسش هایی مطرح شد تا نوع رابطه بین مفاهیم را مشخص کند. این کار با در کنار هم قرار دادن مفاهیم مشابه انجام شد. این امر موجب شد تا مفاهیمی که امکان شکل دادن مقوله ای اصلی تر با یکدیگر دارند شناخته شده و هر کدام در یکی از این مقوله ها جای گیرند. پس از تقسیم بندی تمامی مفاهیم در مقوله های اصلی مجدداً مفاهیم با این دید بررسی شدند تا موانع، راهبردهای اجرایی و همچنین پیامدهای ناشی از آنها تفکیک شوند. پس از اتمام این مرحله مدل های پارادایمی ترسیم شدند.

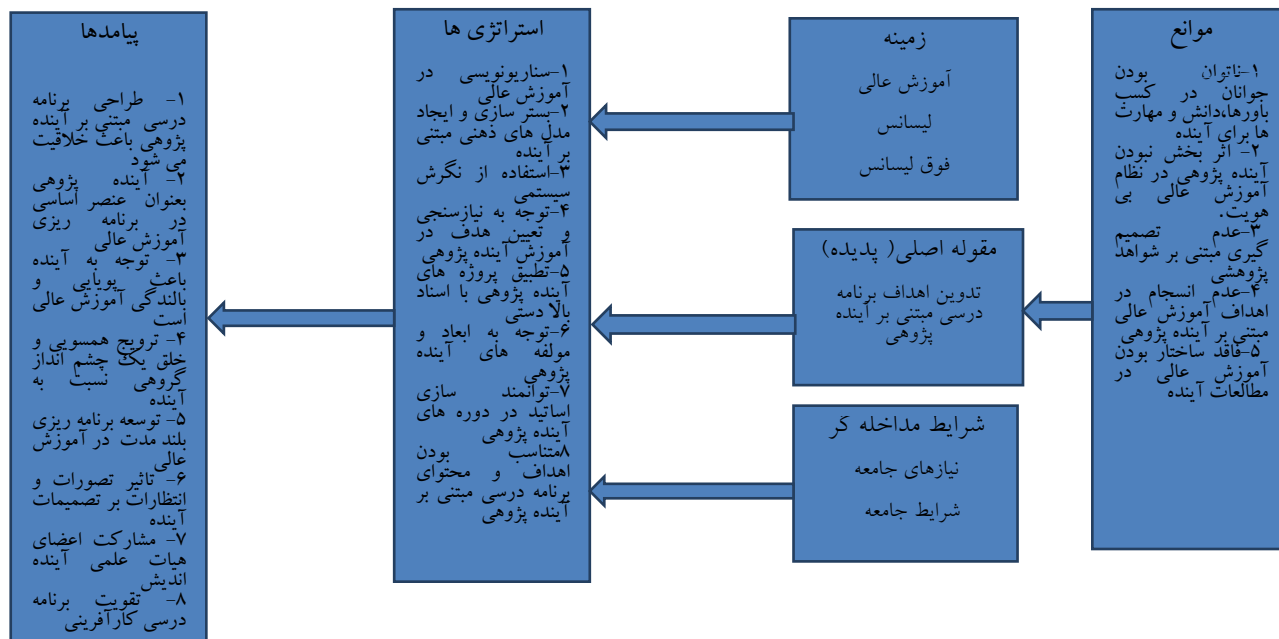
### کدگذاری انتخابی<sup>۱۰</sup>:

در این مرحله محقق اقدام به مدل سازی و توسعه قضایا یا فرضیات می کند. در کدگذاری انتخابی، مقوله ها در ارتباط با یکدیگر، در قالب یک مدل عرضه می شوند و ارتباط آنها توصیف می شود. در این مرحله نظریه به اشکال مختلف ارائه می شود. در این مرحله، نظریه می تواند به صورت اظهارات حکایتی و داستانی، به صورت نمودار، یا در قالب مجموعه ای از قضایا یا فرضیات بیان شود (ایمان، ۱۳۹۱: ۸۲). پس از تعیین مقوله، طبق مدل پارادایمی مقوله های فرعی به مقوله های اصلی (که در بخش کدگذاری محوری به دست آمده بودند) مرتبط شدند. بعد از این مرحله مدل نهایی ترسیم شده و در آن ارتباط مقوله هسته ای با سایر مقوله ها نشان داده شد.

### یافته ها

در کد گذاری باز مجموعاً ۱۲۵ کد مفهومی از تمامی نظرات مصاحبه شوندگان به دست آمد. مفاهیم به دست آمده با یکدیگر مقایسه شد و مفاهیمی که از لحاظ معنایی با یکدیگر تناسب داشتند و بر موضوع واحدی دلالت می کردند به صورت یک مقوله در آمدند و نامی برای آنها در نظر گرفته شد. برای نام گذاری مقولات چنانچه مقوله مدنظر دارای نامی واضح و مفهومی شناخته شده در منابع تئوریک بود از آن نام استفاده شد تا از استنباط متفاوت افراد در زمان مطالعه نتایج جلوگیری به عمل آید. سپس مفاهیمی که با هم مرتبط بودند در کنار هم قرار گرفتند و تشکیل مجموعه جدیدی را دادند. در کد گذاری محوری مفاهیم سطح دوم به دست آمدند. با این روند تعداد مفاهیم کاهش چشمگیری پیدا کرد. در آخرین مرحله، مقوله اصلی تحقیق یعنی تدوین اهداف در کد گذاری انتخابی شناسایی شد. برای ترسیم مدل پارادایمی ۱۲۵ کد به دست آمده به سه بخش موانع، راهبردها و پیامدها تقسیم شدند. تعداد مفاهیم سطح اول در خصوص موانع ۲۵ و در سطح دوم به ۶ کد، در مبحث استراتژیها از ۵۶ به ۸ کد و پیامدها از ۴۴ به ۸ کد تقلیل یافت. شکل زیر یافته های تحقیق را در مدل پارادایمی نشان می دهد:

- 
- 5 -Causal conditions
  - 6 -Phenomenon
  - 7 -Context
  - 8 -Strategies
  - 9 -Consequences
  - 10 -Selective coding



جدول شماره ۱: مدل پارادایمی برای تدوین اهداف مبتنی بر توسعه آینده پژوهی در برنامه درسی آموزش عالی ایران

### ۱- موانع:

تعداد مفاهیم سطح اول در خصوص موانع ۲۵ و در سطح دوم به ۶ کد شامل: " ناتوان بودن جوانان در کسب باورها، دانش و مهارت ها برای آینده، اثر بخش نبودن آینده پژوهی در نظام آموزش عالی بی هویت، عدم تصمیم گیری مبتنی بر شواهد پژوهشی، عدم انسجام در اهداف آموزش عالی مبتنی بر آینده پژوهی، فاقد ساختار بودن آموزش عالی در مطالعات آینده، فقدان راه کار اثربخش و مطمئن برای مطالعه آینده بر اساس منابع خارجی". در ادامه، هر یک از زیر مقوله ها با یک نمونه از اظهارات مصاحبه شوندهگان ارائه شده است.

### ۱-۱ ناتوان بودن جوانان در کسب باورها، دانش و مهارت ها برای آینده:

اگر ما پیش بینی نکنیم که تغییرات فرهنگی، ارزشی، رسانه ای چه تغییرات ساختاری، اجتماعی و فرهنگی را ایجاد می کند باعث می شود که جوانان ما نتوانند آن باورها، دانش و مهارت هایی را که در حال حاضر برای آینده لازم است را کسب کنند. (مصاحبه شونده شماره ۱).

### ۱-۲ اثر بخش نبودن آینده پژوهی در نظام آموزش عالی بی هویت:

هنگامی که نمی دانیم به کجا می خواهیم برویم و هدف را نمی دانیم در نتیجه نه مسیر را می توانیم مشخص کنیم و نه موانع را می توانیم تشخیص دهیم. در این فضا نه آینده پژوهی معنا پیدا می کند و نه برنامه ریزی، در نهایت آموزش عالی ما یک نظام بی هویت است که خودش و اهدافش را نمی شناسد و برای چنین نظام بی هویتی، آینده پژوهی و اثر بخشی فایده ای ندارد. (مصاحبه شونده شماره ۱۱).

### ۱-۳ عدم تصمیم گیری مبتنی بر شواهد پژوهشی:

در حوزه پژوهش هم مهمترین چالش عدم تقاضای واقعی برای پژوهش است. کارفرماها به صورت جدی به دنبال رویکردهایی که از طریق علم و پژوهش پاسخگوی نیازهای آنها باشد، نیستند و بیشتر تصمیم گیری ها مبتنی بر شواهد پژوهشی نیست. در حوزه

فناوری تا یک مرحله ای پیش رفته ایم ومقاله هم تولید کرده ایم، اما در تبدیل آنها به دانش فنی یک ضعف جدی است که ما داریم.(مصاحبه شونده شماره ۷).

#### ۱-۴ عدم انسجام در اهداف آموزش عالی مبتنی بر آینده پژوهی :

متاسفانه در بعضی مواقع ما تفکر کردن حال نگری را حتی برای دانشجویان فراهم نمی کنیم.مثلا دانشجو نمی داند به دنبال چه چیزی برای تحصیل آماده و قرار است بعد از فراغت از تحصیل چه کاری را انجام دهد و این با اهداف آموزش عالی در غالب تربیت افراد متخصص در تناقض است.(مصاحبه شونده شماره ۹).

#### ۱-۵ فاقد ساختار بودن آموزش عالی در مطالعات آینده:

.مشکل دیگری که ما در آینده پژوهی داریم و خیلی باید بهش توجه کنیم مشکل ساختار در آموزش عالی است،متاسفانه در آموزش عالی ساختارهای لازم برای مطالعات آینده پژوهی وجود ندارد،شما از نوع و شکل کلاس ها نگاه بکنید،کلاسی که دارای ۶۰ الی ۷۰ نفر دانشجو در کارشناسی ارشد است نمی تواند یک ساختار آینده پژوهی داشته باشد.

#### ۲- استراتژی ها

تعداد مفاهیم سطح اول در خصوص استراتژی ها ۵۶ و در سطح دوم به ۸ کد شامل: " سناریونویسی در آموزش عالی، بستر سازی و ایجاد مدل های ذهنی مبتنی بر آینده، استفاده از نگرش سیستمی، توجه به نیازسنجی و تعیین هدف در آموزش آینده پژوهی، تطبیق پروژه های آینده پژوهی با اسناد بالا دستی، توجه به ابعاد و مولفه های آینده پژوهی، توانمند سازی اساتید در دوره های آینده پژوهی، متناسب بودن اهداف و محتوای برنامه درسی مبتنی بر آینده پژوهی". در ادامه، هر یک از زیر مقوله ها با یک نمونه از اظهارات مصاحبه شوندگان ارائه شده است.

#### ۲-۱ سناریونویسی در آموزش عالی:

دقیقا باید با ابزارهای مختلف آینده پژوهی از جمله سناریوهای مختلف در آموزش عالی و روندها و تجزیه و تحلیل ها و سیر علت و معلولی را پشت سر هم قرار داد و باید از قدرت تجزیه و تحلیل بالایی برخوردار بود که بتوان آینده ای را پیش بینی کرد که دقیق و ریسک پذیر باشد تا بتوان به آن برنامه تکیه کرد.(مصاحبه شونده شماره ۱).

#### ۲-۲ بستر سازی و ایجاد مدل های ذهنی مبتنی بر آینده:

به نظر من برنامه درسی باید یک هسته محکم و نسبتا پایدار داشته باشد و در کنار آن آینده پژوهی به عنوان یک مولفه مورد توجه قرار گیرد.برنامه درسی با بستر سازی و ایجاد مدل های ذهنی مبتنی بر آینده تدوین و تنظیم شود و باید بر اساس آن هدف روش ها و ابزار ها و منابع انسانی و غیره را باید تدارک ببیند و فراهم بکند و از طرف دیگر یک چشم اندازی هم به امور نسبی داشته باشد.(مصاحبه شونده شماره ۹).

#### ۲-۳ استفاده از نگرش سیستمی:

من استاد اگر بخواهم به آینده پژوهی به صرف اینکه فقط بدانم آینده تعلیم و تربیت چه می شود، این یک نگاه غلط است. من باید بدانم که اصلا کل آینده ها با هم در ارتباط هستند.(مصاحبه شونده شماره ۲).

#### ۲-۴ توجه به نیازسنجی و تعیین هدف در آموزش آینده پژوهی :

اگر ما به این نتیجه برسیم که آینده پژوهی در نظام های آینده تعلیم و تربیت ما و نظام های دیگر می تواند در اثر بخشی بیرونی و درونی تاثیر گذار باشد. پس لازم است در اولین قدم نیاز سنجی است انجام شود و بعد از نیاز سنجی باید به سراغ اینکه هدف از آموزش آینده پژوهی چه چیزی است برویم.(مصاحبه شونده شماره ۱)

## ۲-۵ تطبیق پروژه های آینده پژوهی با اسناد بالا دستی:

در آموزش عالی تاکید بر مطالعات آینده پژوهی در سند چشم انداز و سند آمایش و اسناد بالادستی از ابتدای سال ۱۳۹۴ مورد توجه قرار گرفته است، اما در قالب بخش نامه هایی برای امکان سنجی و ضرورت و امکان توجه به آن و ابلاغ به واحد های دانشگاهی باقی مانده است و امید است با برگزاری نشست های علمی و، سمینارها و... باب توجه نظری و بعدها تلاش های عملیاتی بازتر شود. (مصاحبه شونده شماره ۷).

## ۲-۶ توجه به ابعاد و مولفه های آینده پژوهی:

به نظر من باید آینده پژوهی به صورت یک مولفه در نظر گرفته شود چرا اعتقاد من بر این است که برنامه درسی تلفیقی است هم از تجارب و داده های گذشته و هم سندی است برای کار امروز و حال و هم البته زمینه ای است برای فعالیت ها و پیشرفت های آینده چه در زمینه برنامه درسی و تعلیم و تربیتی چه در کلیه زمینه های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی کشور. (مصاحبه شونده شماره ۵).

## ۲-۷ توانمند سازی اساتید در دوره های آینده پژوهی:

بنابر این اساتید اگر بخواهند از توان علمی بالایی برخوردار باشند باید با مفاهیم و اصول آینده پژوهی آشنا باشند. اساتید باید در حوزه آموزش عالی دوره های آینده پژوهی را بگذرانند. (مصاحبه شونده شماره ۳).

## ۲-۸ متناسب بودن اهداف و محتوای برنامه درسی مبتنی بر آینده پژوهی:

در طراحی برنامه درسی آینده پژوهی باید اهداف متناسب با واقعیات باشد. اگر اهداف متناسب با واقعیت نوشته شوند مسلما در واقعیت هم عملی خواهند شد و این مهم است که این واقعیات ها از کجا باید آورده و نوشته شوند و خود این هم بر می گرده به این که فردی که می خواهد این اهداف را طراحی کند باید آینده پژوه باشد. (مصاحبه شونده شماره ۶).

## ۳- پیامدها

تعداد مفاهیم سطح اول در خصوص پیامدها ۴۴ و در سطح دوم به ۸ کد شامل: "طراحی برنامه درسی مبتنی بر آینده پژوهی باعث خلاقیت می شود، آینده پژوهی بعنوان عنصر اساسی در برنامه ریزی آموزش عالی، توجه به آینده باعث پویایی و بالندگی آموزش عالی است، ترویج همسویی و خلق یک چشم انداز گروهی نسبت به آینده، توسعه برنامه ریزی بلند مدت در آموزش عالی، تاثیر تصورات و انتظارات بر تصمیمات آینده، مشارکت اعضای هیات علمی آینده اندیش، تقویت برنامه درسی کارآفرینی". در ادامه، هر یک از زیر مقوله ها با یک نمونه از اظهارات مصاحبه شوندگان ارائه شده است.

## ۳-۱ طراحی برنامه درسی مبتنی بر آینده پژوهی باعث خلاقیت می شود:

به نظر من برنامه درسی مبتنی بر آینده پژوهی در حوزه آموزش عالی باید خلاقیت محور باشد و تمامی تصمیمات مربوط به مراحل برنامه ریزی، به جای اینکه در بیرون از دانشگاه گرفته شود و به دانشگاه تحمیل شود، در درون دانشگاه و جامعه پیرامون آن اتخاذ شود. برای حل این معضل وزارت علوم لازم است اختیارات لازم برای برنامه ریزی درسی به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی تفویض نماید. (مصاحبه شونده شماره ۱۳).

## ۳-۲ آینده پژوهی بعنوان عنصر اساسی در برنامه ریزی آموزش عالی:

برنامه ریزی یک سری اصول دارد که این اصول در همه برنامه ثابت است ولی روش های برنامه ریزی می تواند متفاوت می باشد. پس ما باید بین اصول و روش ها تفاوت قایل باشیم، روش ها معمولا متغییر هستند اما اصول ثابت هستند. بنابراین آینده پژوهی یکی از اصول و عنصر اساسی برنامه ریزی است. (مصاحبه شونده شماره ۱۱).



### ۳-۳ توجه به آینده باعث پویایی و بالندگی آموزش عالی است:

توانمند سازی اساتید و فراگیران در حوزه های متفاوت. سرمایه گذاری و هزینه در دوره های مختلف آموزشی می تواند مناسب باشد. باید به فراگیران بعنوان یک سرمایه اجتماعی در آموزش عالی توجه شود. هر نظام آموزشی برای پویایی و بالندگی باید نگاه به آینده داشته باشد. (مصاحبه شونده شماره ۶).

### ۳-۴ ترویج همسویی و خلق یک چشم انداز گروهی نسبت به آینده:

باید دانشجویان را برای انجام فعالیت های یادگیری گروهی در مراحل مختلف زندگی شان آماده ساخت و موسسات آموزشی می بایست برای پاسخ دادن به نیازهای طیف وسیعی از یادگیرندگان آماده شوند. (مصاحبه شونده شماره ۱۳).

### ۳-۵ توسعه برنامه ریزی بلند مدت در آموزش عالی:

در بحث آینده پژوهی در آموزش عالی و برنامه درسی نمی توانیم بر اساس آنچه که ما داریم برنامه ریزی کنیم. امکاناتی که ما با توجه به بحث آینده پژوهی مطرح می کنیم باید با توجه به چند سال آینده براساس برنامه دراز مدت برنامه ریزی کنیم. (مصاحبه شونده شماره ۹).

### ۳-۶ تاثیر تصورات و انتظارات بر تصمیمات آینده:

خیلی از تصمیمات در برنامه ریزی در رابطه با آینده ممکنه خارج از کنترل مستقیم ما باشد. اما تصورات و انتظاراتی که ما از آینده داریم بر روی تصمیماتی که ما درباره آن فکر می کنیم که انجامش در زمان حال ارزشمند است تاثیر می گذارد. (مصاحبه شونده شماره ۱۳).

### ۳-۷ مشارکت اعضای هیات علمی آینده اندیش:

من اعتقاد دارم باید یک حرکتی برای بهسازی اعضای هیات علمی و تربیت اعضای هیات علمی آینده اندیش داشته باشیم و این مهم است. (مصاحبه شونده شماره ۵).

### ۳-۸ تقویت برنامه درسی کارآفرینی:

یکی از مشکلات در آموزش عالی این است که دانش آموختگان کارآفرین بار نمی آیند و بعد از فراغت از تحصیلی از معلومات خود استفاده نمی کنند. مثلاً فردی لیسانس حقوق می گیرد راننده تاکسی می شود یا کشاورزی می کند. شاید اگر یک برنامه درسی کارآفرین محور مناسب طراحی شود حداقل این است که وقتی که یک فرد فارغ التحصیل شد بتواند در زمینه های کاری خود ایجاد اشتغال نماید. (مصاحبه شونده شماره ۸).

### بحث و نتیجه گیری:

گفته های مصاحبه شوندگان بیانگر این مطلب است که آینده پژوهی در نظام آموزش عالی اثر بخشی چندان مطلوبی را نداشته است. جملاتی از قبیل "نظام آموزش عالی ما یک نظام بی هویت است که خودش و اهدافش را نمی شناسد و برای چنین نظام بی هویتی آینده پژوهی و اثر بخشی فایده ای ندارد"، تفاوت هایی که بین جامعه و نظام آموزش عالی وجود دارد باعث شده ما هیچ وقت نتوانیم رسالت اجتماعی مان را در آموزش عالی پیاده کنیم"، "فراهم نبودن زیر ساخت های در آموزش عالی"، "پایین بودن پژوهش در سطح آموزش عالی"، "این حقیقت است که برنامه درسی فعلی نمی تواند آینده پژوهی را ارتقاء دهد"، بیانگر این مطلب است که از نظر مصاحبه شوندگان نظام آموزش عالی با وجود پتانسیل بالا نتوانسته است تاثیر مناسبی بر توسعه آینده پژوهی داشته باشد. این یافته ها در راستای نتایج تحقیقات محمود زاده و محبوب فر در سال (۱۳۹۱) است که در تحقیق خود نتیجه گیری کرده اند که، مهمترین چالش اصلی نظام آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران در حوزه آینده پژوهی، ناآگاهی و ضعف بینش نخبگان جامعه نسبت به این موضوع است. کورتز (۲۰۰۳) در مقاله ای تحت عنوان "نقش حیاتی آموزش عالی در ایجاد آینده ای پایدار" بیان می کند که موسسات آموزش عالی به طور عمیق مسئول افزایش آگاهی اخلاقی، دانش، مهارت ها و ارزش

های مورد نیاز برای ایجاد آینده ای عادلانه و پایدار هستند. و در پایان ذکر می کند که برنامه های درسی آموزش عالی قادر به پاسخگویی به نیازهای دانشجویان در برابر چالش های آینده نیستند. از بین عناصر برنامه درسی، تدوین اهداف از مهم ترین مواردی بود که مصاحبه شوندگان به آنها اشاره کردند. تعیین هدف برای برنامه درسی باید با توجه به نواقص موجود در برنامه درسی فعلی صورت پذیرد. با توجه به هدف نهایی که تاثیرگذاری هر چه بهتر برنامه درسی بر آینده پژوهی و مولفه های آن در آموزش عالی است باید تعیین اهداف برای برنامه درسی دچار تغییرات عمده شود. در این نگاه هدف و نیاز سنجی با یکدیگر پیوند می خورند. نیاز سنجی به عنوان اصلی ترین پیش نیاز برنامه درسی باید از ابتدا انجام شود. با بررسی دقیق نیازهای جامعه در بخش های مختلف و شناسایی نقاط ضعف به خصوص در مورد فاکتورهای آینده پژوهی می توان برای اهداف آموزشی و غیر آموزشی برنامه درسی به درستی نیاز سنجی نمود. با توجه به مقولات مطرح شده می توان گفت تلاش برای پرورش دانشجویانی خلاق و نقاد در نظام آموزش عالی و دارای مهارت های کارآفرینانه و انعطاف پذیر در برابر تغییرات، می تواند از جمله اهداف برنامه درسی مبتنی بر توسعه آینده پژوهی باشد.

### در پاسخ به سوال اول پژوهش ( چه موانعی در تدوین اهداف برنامه درسی آموزش عالی برای ارتقای آینده پژوهی

**وجود دارد؟) یافته ها نشان می دهد که عدم توجه به تغییرات فرهنگی، ارزشی، رسانه ای باعث شده است که متاسفانه جوانان ما نتوانند آن باورها، دانش و مهارت هایی را که از الان برای آینده لازم است را کسب کنند. در کشور ما نظام آموزش عالی رابطه منطقی و درستی با نظام های دیگر ندارد. در کشور ما نه از نظر کمی و نه از نظر کیفی بین آموزش عالی و اشتغال و نظام اقتصادی رابطه ای وجود ندارد. افراد برای شغل تربیت نمی شوند، یعنی هیچ فردی بدون شغل در اقتصاد کشور نمی تواند نقشی داشته باشد، تنها از طریق یک شغل است که می تواند نقش ایفا کند و دانش به چرخه اقتصادی راه پیدا کند تا رابطه بین قابلیت ها، مهارت ها، دانش، بینش و نگرش فردی که از دانشگاه فارغ التحصیل می شود و نیازهایی که بنگاهها در یک شغل معین برای قابلیت، مهارت، بینش، نگرش و حتی رفتار دارند. اگر این رفتار وجود نداشته باشد دانش به جامعه تزریق نمی شود. علاوه بر این موضوع استفاده نکردن از نظرات متخصصین و صاحب نظران سایر حوزه ها در زمان برنامه ریزی درسی از موانعی است که تغییر دهندگان شیوه های هدف گذاری با آن روبرو هستند. در هدف گذاری برای برنامه درسی چندان از نظرات متخصصین آینده پژوهی استفاده نمی شود. ناتوان بودن جوانان در کسب باورها، دانش و مهارت ها برای آینده، اثر بخش نبودن آینده پژوهی در نظام آموزش عالی بی هویت، عدم تصمیم گیری مبتنی بر شواهد پژوهشی، عدم انسجام در اهداف آموزش عالی مبتنی بر آینده پژوهی، فاقد ساختار بودن آموزش عالی در مطالعات آینده در تدوین اهداف برنامه درسی از جمله موانعی بودند که مصاحبه گران مطرح نمودند.**

### در پاسخ به سوال دوم تحقیق (چه راهبردهایی در تدوین اهداف برنامه درسی آموزش عالی موجب توسعه آینده

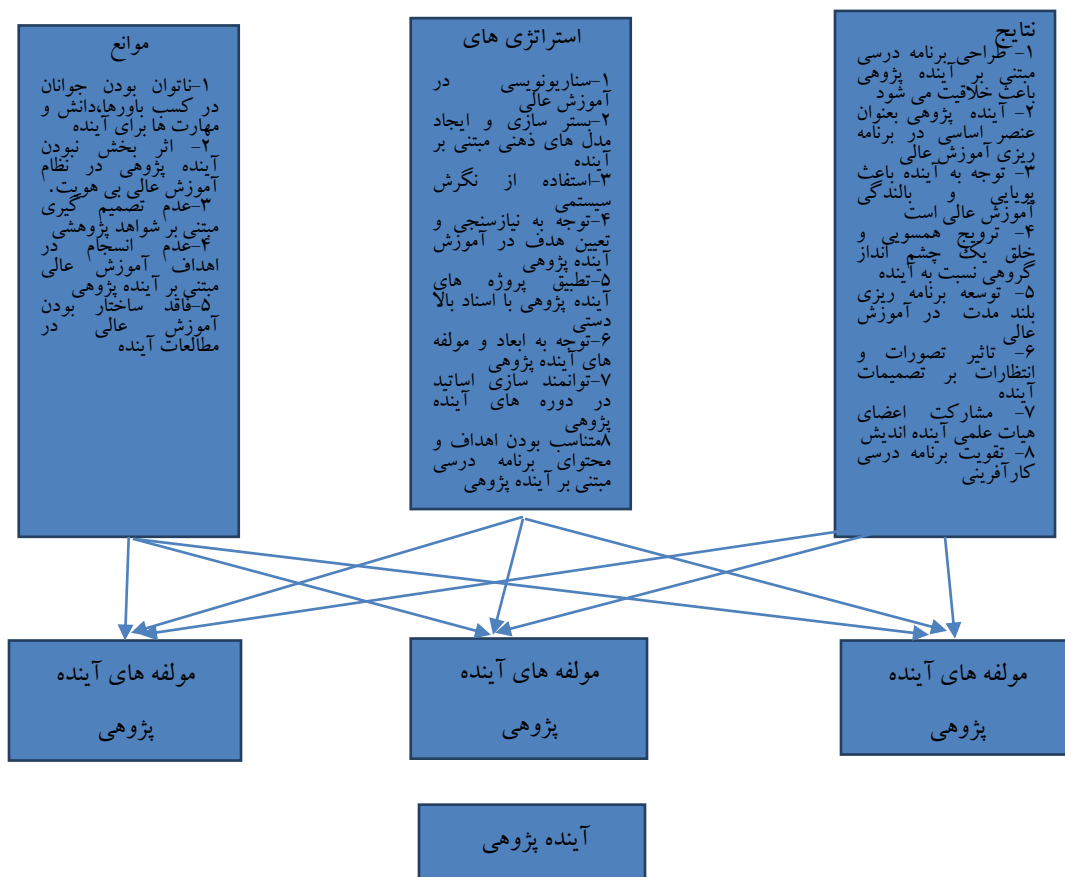
**پژوهی می شوند؟) یافته ها نشان می دهد که برای طراحی یک برنامه درسی مناسب به افراد متخصص و صاحب نظر در حوزه برنامه درسی و آینده پژوهی مراجعه کرد و از آنان خواست تا انتظارات خود را از یک برنامه درسی کارآمد بیان کنند. در یک برنامه درسی با تاکید بر توسعه آینده پژوهی تاکید و تمرکز برنامه درسی بر تقویت مهارت های تفکر انتقادی، خلاق، انعطاف پذیری در برابر تغییرات، سناریونویسی و کارآفرینی گریز ناپذیر است. طبق گفته های مصاحبه شوندگان " برای تعیین اهداف برنامه درسی جدید باید به اهداف، آرمان ها و ماموریت ها در آموزش توجه شود. در طراحی برنامه درسی آینده پژوهی باید اهداف متناسب با واقعیات باشد. اگر اهداف متناسب با واقعیت نوشته شوند مسلما در واقعیت هم عملی خواهند شد و این مهم است که این واقعیات ها از کجا باید آورده و نوشته شوند و خود این هم بر می گردد به این که فردی که می خواهد این اهداف را طراحی کند باید آینده پژوه باشد. " بنا به گفته مصاحبه شوندگان توجه به نیاز سنجی و تعیین هدف در آینده پژوهی از اهمیت بالایی برخوردار است. » اگر ما به این نتیجه برسیم که آینده پژوهی در نظام های آینده تعلیم و تربیت ما و نظام های دیگر می تواند در اثر بخشی بیرونی و درونی تاثیر گذار باشد. پس لازم است در اولین قدم نیاز سنجی است انجام شود و بعد از نیاز سنجی باید به سراغ اینکه هدف از**

آموزش آینده پژوهی چه چیزی است برویم.» برخلاف روشهایی که تاکید بر فرایندهای توافقی و حل مسائل دارند برخی از صاحب نظران اعتقاد دارند که برای نیازسنجی برنامه درسی باید از شیوه هایی استفاده نمود که در آنها تعیین اهداف از اولویت بالاتری برخوردار است. به نظر می رسد که این روش می تواند هدف های مناسبی برای طراحی برنامه درسی ایجاد نماید.

**در پاسخ به سوال سوم تحقیق ( پیامدهای حاصل از طراحی اهداف برنامه درسی آموزش عالی مبتنی بر توسعه آینده پژوهی چه خواهد بود؟) یافته ها نشان می دهد طراحی برنامه درسی مبتنی بر توسعه آینده پژوهی باعث پرورش خلاقیت و کمک به نوآوری و کارآفرینی در دانشجویان می شود. بنا بر گفته مصاحبه شوندگان برنامه درسی باید یک هسته محکم و نسبتا پایدار داشته باشد و در کنار آن آینده پژوهی به عنوان یک مولفه مورد توجه قرار گیرد. برنامه درسی با یک هدف تدوین و تنظیم می شود و باید بر اساس آن هدف روش ها و ابزارها و منابع انسانی و غیره را تدارک ببینیم. به طور کلی طراحی برنامه درسی مبتنی بر آینده پژوهی باعث خلاقیت می شود، آینده پژوهی بعنوان عنصر اساسی در برنامه ریزی آموزش عالی، توجه به آینده باعث پویایی و بالندگی آموزش عالی است، ترویج همسویی و خلق یک چشم انداز گروهی نسبت به آینده، توسعه برنامه ریزی بلند مدت در آموزش عالی، تاثیر تصورات و انتظارات بر تصمیمات آینده، مشارکت اعضای هیات علمی آینده اندیش، تقویت برنامه درسی کارآفرینی از پیامدهایی بودن که مصاحبه گران مطرح نمودند.**

**در پاسخ به سوال چهارم (آیا می توان مدلی را برای تدوین اهداف مبتنی بر توسعه آینده پژوهی در آموزش عالی طراحی نمود؟) بنا بر یافته های تحقیق یکی از معضلات برنامه درسی فعلی بی توجهی آن به مهارت ها و آمادگی هایی است که فرد پس از فراغت از تحصیل به آنها نیاز دارد. خیلی از سرفصل های وزارت علوم مربوط به بیست سال گذشته است و تغییری در آن صورت نگرفته است. این سرفصل ها باید به صورت دوره ای بازنگری شوند. در تغییر سرفصل ها باید به نیازهای جامعه و متناسب بودن با شرایط هر منطقه توجه شود.**

مدل نهایی تحقیق که در واقع از تلفیق و یکپارچگی مقوله اصلی و موانع و راهبردهای اجرایی و پیامدهای آنها به وجود آمده به شرح زیر تدوین شده است: جدول شماره ۲



جدول شماره ۲: مدل نهایی طراحی اهداف مبتنی بر توسعه آینده پژوهی در برنامه درسی آموزش عالی ایران

### فهرست منابع

- ایمان، م. ت. (۱۳۹۱). روش شناسی تحقیقات کیفی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- رضوی، سید مصطفی و همکاران. (۱۳۹۲). بازکاوی روش تحقیق آمیخته. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زمانی مقدم، افسانه. (۱۳۸۸). نقش متاثوریها در برنامه درسی. (مقاله علمی درباره ی مدیریت)
- فاتح راد، مهدی و همکاران. درآمدی بر مبانی معرفت شناسی و روش شناسی آینده پژوهی. فصلنامه مطالعات آینده پژوهی، سال دوم، شماره ی هشتم، زمستان ۱۳۹۲، صص ۵۲-۲۷.
- کشاوری، مهدی، رهگذر، حسن، جایگاه و نقش برنامه درسی در آموزش صنعتی. فصلنامه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۸۹.
- کشاوری، مهدی. (۱۳۹۵). طراحی الگوی برنامه درسی مبتنی بر توسعه آینده پژوهی در آموزش عالی ایران. پایان نامه دکترای برنامه ریزی درسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان).

کشاوری، مهدی و همکاران. روش های تدریس مبتنی بر توسعه آینده پژوهی در آموزش عالی ایران. پژوهش در برنامه درسی. سال پانزدهم، دوره دوم، شماره ۲۹، بهار ۱۳۹۷ صفحات ۱۶-۲۹.

محمدی، مهدی. دهداری راد، طاهره. ارزیابی میزان شایستگی محوری دوره کاردانی مکانیک خودرو. فصلنامه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران. سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۸۹.

محمود زاده، امیر. محبوب فر، محمد رضا. پیمایش رشته آینده پژوهی در جهان و برنامه ریزی آینده پژوهانه در نظام آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی آینده پژوهی. تهران ۲۶ بهمن ۱۳۹۱.

Cortese, Anthony. The Critical Role of Higher Education in Creating a Sustainable Future. Planning for Higher Education. March–May 2003.

Maroofi, Yahya . Karami ,Zohreh. Providence and futures study: A approach to curriculum development. International Online Journal of Educational Sciences, 2015, 7 (3), 1-9.

Slaughter, R. A. (1996). *New Thinking for a New Millennium* . London: Routledge.

Strauss, A. & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for Grounded theory* . Newbury park, CA: Sage.

## **Designing goals based on the development of futures studies in the curriculum of higher education in Iran**

**Mahdi Keshavarzi**

Assistant Professor, Department of Management and Educational Planning, Islamic Azad University, Iranshahr Branch, Iranshahr, Iran.

Keshavarzimehdi82@gmail.com

### **Abstract**

Future and future studies are very important, because we can not postpone its occurrence. According to experts, higher education is one of the most influential institutions on the formation of futures studies through curriculum. Future studies can be promoted by changing the curriculum components. This research is aimed at designing the goals of the Futurist Development Extension in Higher Education, which was carried out in a qualitative way using a field method. In this research, 14 experts from the curriculum and future studies were interviewed. The full text of the statements of respondents was executed from the recorded text, and in the codification process the views presented were separated into separate concepts, and then the concepts were grouped into separate categories and the component of the goals was identified as the main category of the research. In the final model, the barriers, strategies and outcomes were presented for development of future curriculum development curriculum goals separately in analytical models.

**Keywords:** Curriculum, Future Studies, Objectives, Higher Education